



Translate Luna
Clean Luna
Type Aynaz



[T.me/IriSekai](https://t.me/IriSekai)



[instagram.com/IrisSekai](https://www.instagram.com/IrisSekai)



ولی تو...

... این ادوارد کلنگ...

... داره پسر بدی می شه...!!

Ep 51





حالا که دربارش فکر می کنم،
این شترمرغ قبلا خیلی منو
دست مالی می کرد.

وقتی فکر کردم ممکنه اون
فهمیده باشه من یه زنم...

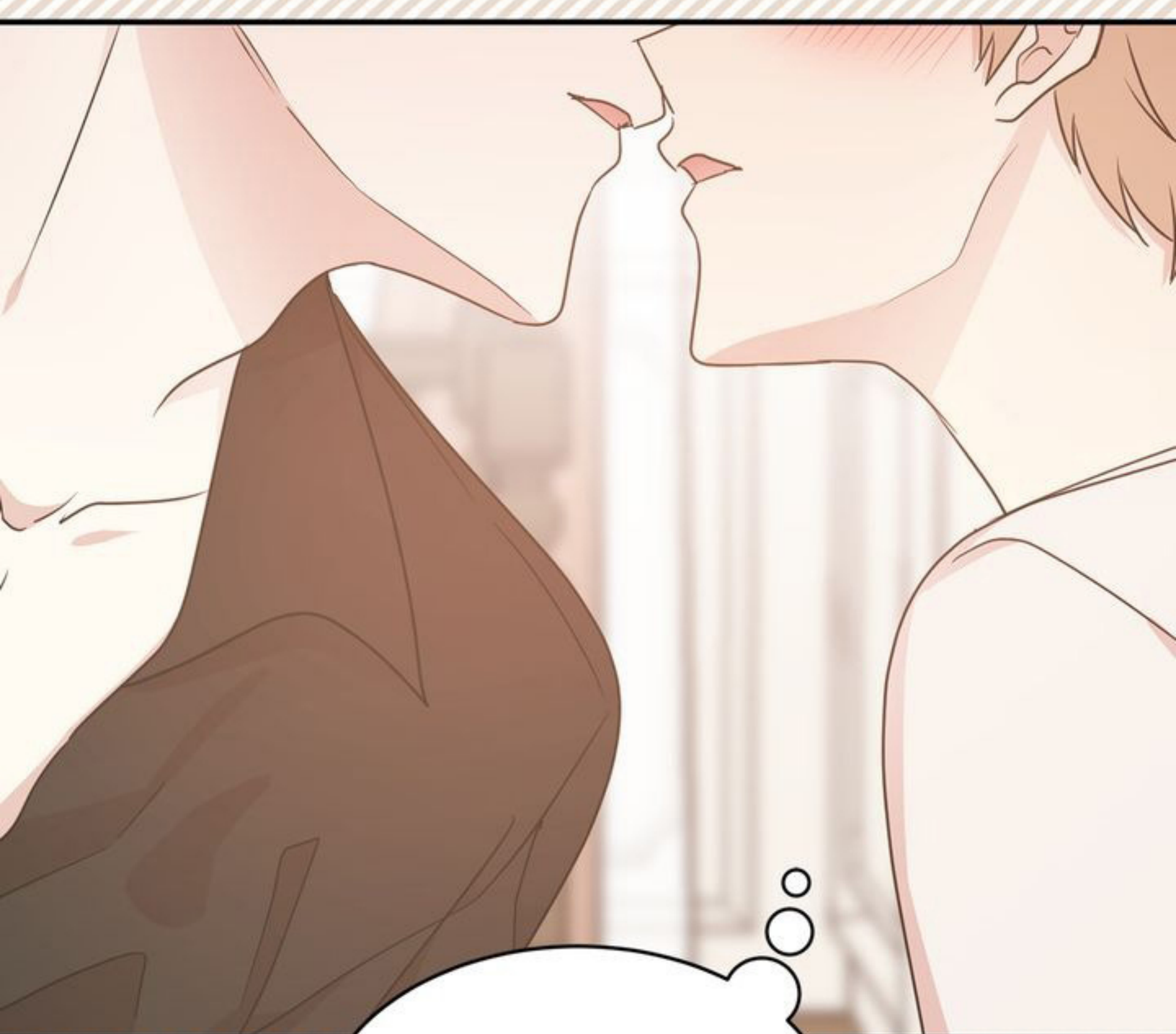
... باید محتاط تر
می بودم؟

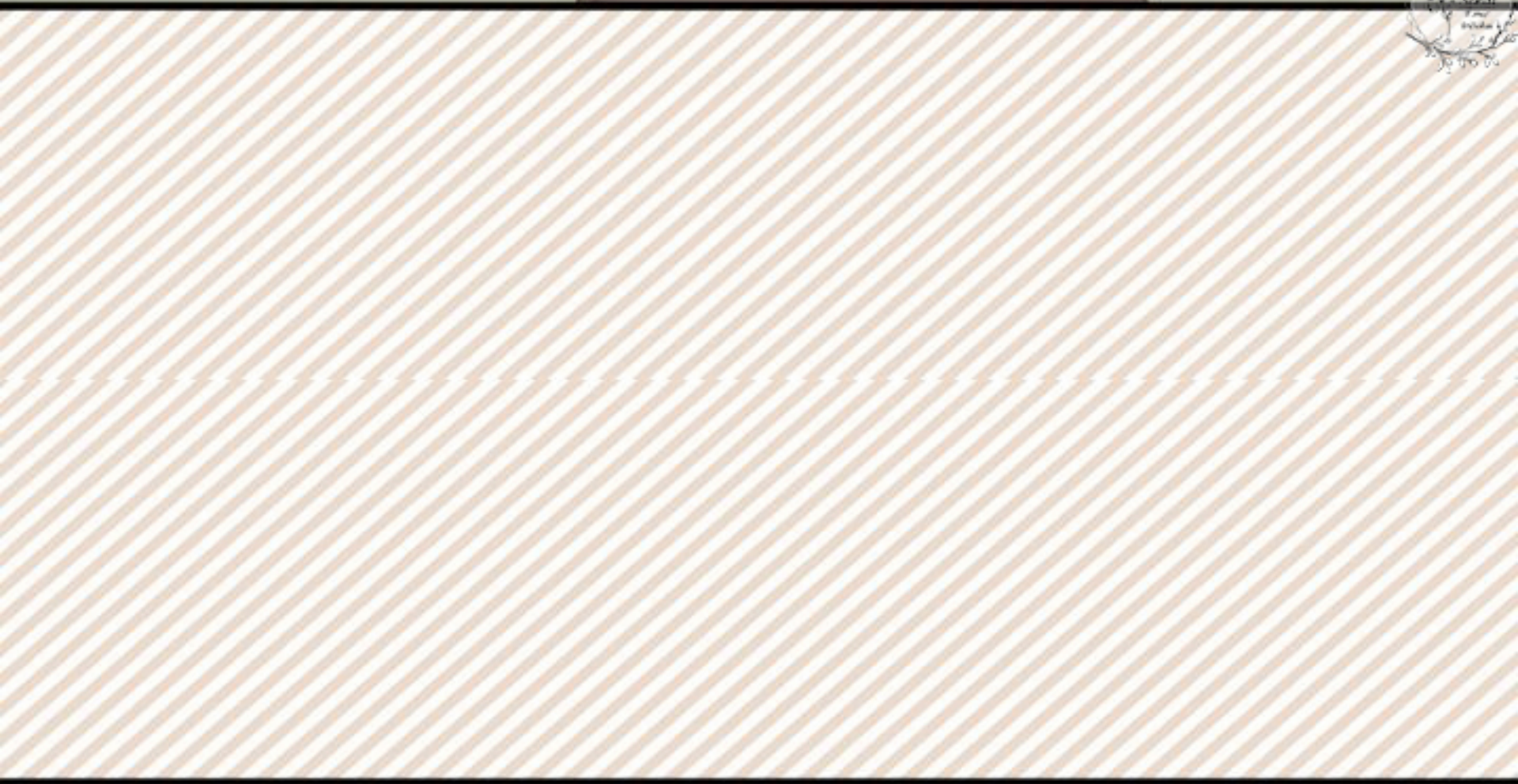
...





منم همون حسی رو دارم
که تو داری.





چیزی که خوبه، در هر
حالتی خوبه!!



... هوم؟



چیہ...؟



یه چیزی توی لباسته.

آه.

این یه لباسیه که همیشه
تنمه، حتی شبا.



?



?!

yank

خب دیگه، کجا
بودیم...؟

*آزاد مثل یه پرنده

FREE AS

A BIRD





...??

چرا باید همچین چیزی
رو بپوشی...؟



بهم نگو که نمی دونی؟



چی؟



... پس تو یکم خیلی، درسته؟





...



برای یکم آزار جنسی
دادنت منو ببخش، اما...

raise

?



لوت: آگه نفهمیدین، ریشو برداشت و گذاشت روی... بلمه ریگه استحضارالله!



GAPE

?!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!



حالت خوبه، ادوارد؟

... احساس می‌کنم بهم
تجاوز شده...

ببخشید، ببخشید~ فکر کردم
اگه مستقیم بهت نشون بدم کمتر
خجالت آورده!

دقیقا تعریف از خجالت آور
چیست...؟



من واقعا فکر کردم تو همین
الانم می‌دونی.



تو کلی فرصت داشتی تا بدن منو
ببینی. می فهمی چی می گم؟

چرا باید بدون اجازه به بدن
کسی نگاه کنم؟

خیلی کیوئه! عاشقشم!
خیلی خوچالم!

من فقط فکر کردم... تو از
اینکه به اندازه کافی عضله نداری
و پوست و استخوانی خجالت
می کشی.

وقتی می خواستی به زخم
روی کمرم رسیدگی کنی به اینکه
بهت اجازه ندادم بدنمو ببینی
مشکوک نشدی؟

بلی بلی، ولی حتی با این،
وقتی بهت اجازه دادم سینمو
لمس کنی،

یه خورده دور از ذهن نیست
که فقط به این نتیجه برسی که
اونا خپلن؟

خ، خب...

این دفعه اولمه... لمس بدن کسی
که دوستش داری مثل این...

MUMBLE

MUMBLE

خیلی خنگوله! خیلی پی گناهه!!
و یه پاکره پاکدامنه!! فدات شم
من لاناتی!!

تو فکر کردی من یه مردم،
ولی بازم می خواستی همه این کارا
رو بکنی؟

خدایا، من هیچ وقت فکر نمی کردم
تو ممکنه به مردا علاقه داشته باشی~



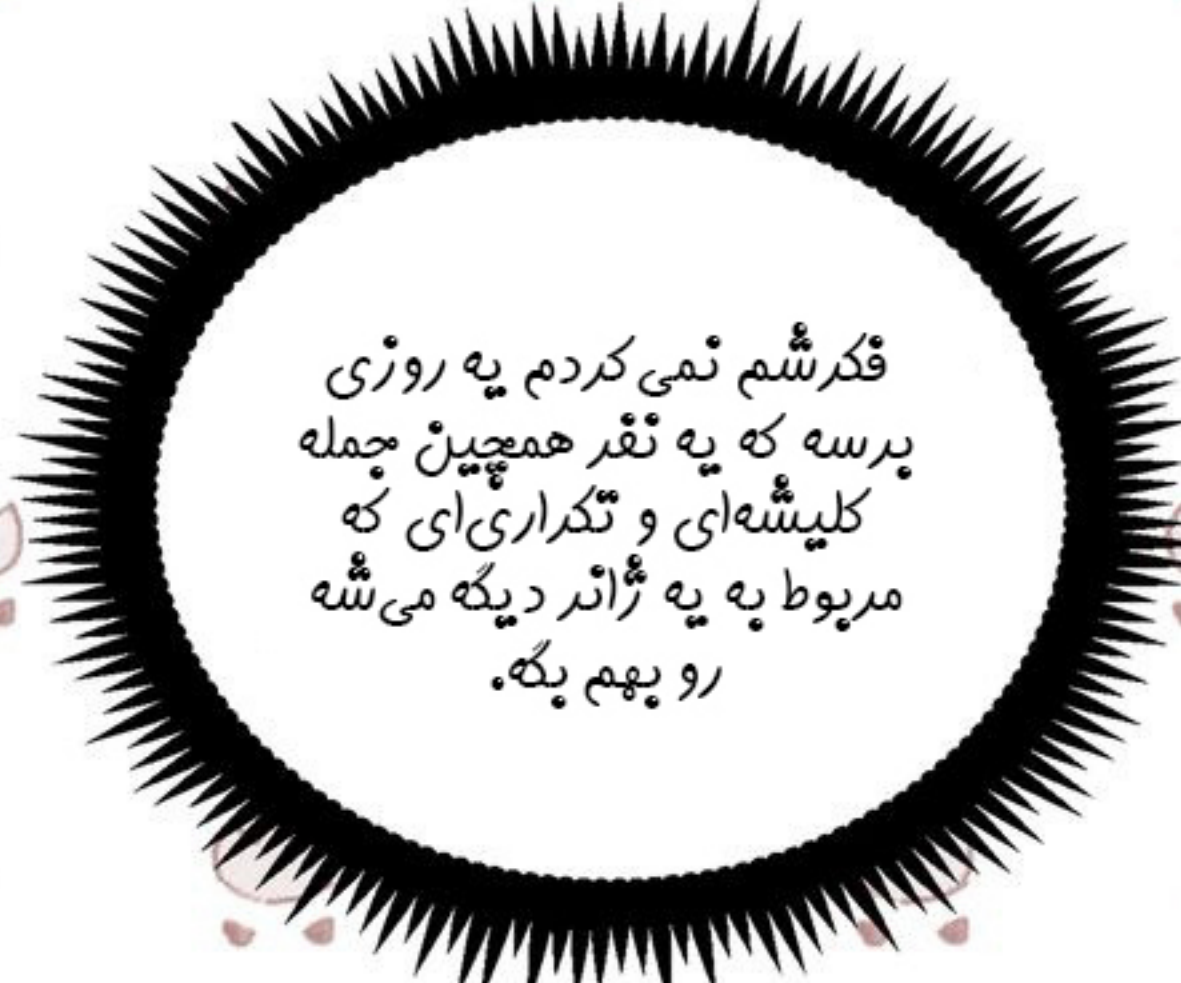
اینطوری نیست!



اینطوری نیست که من به مردا
علاقه مند باشم، فقط برام مهم نیست
اگه تو مرد باشی!



آه... بلی... البته...

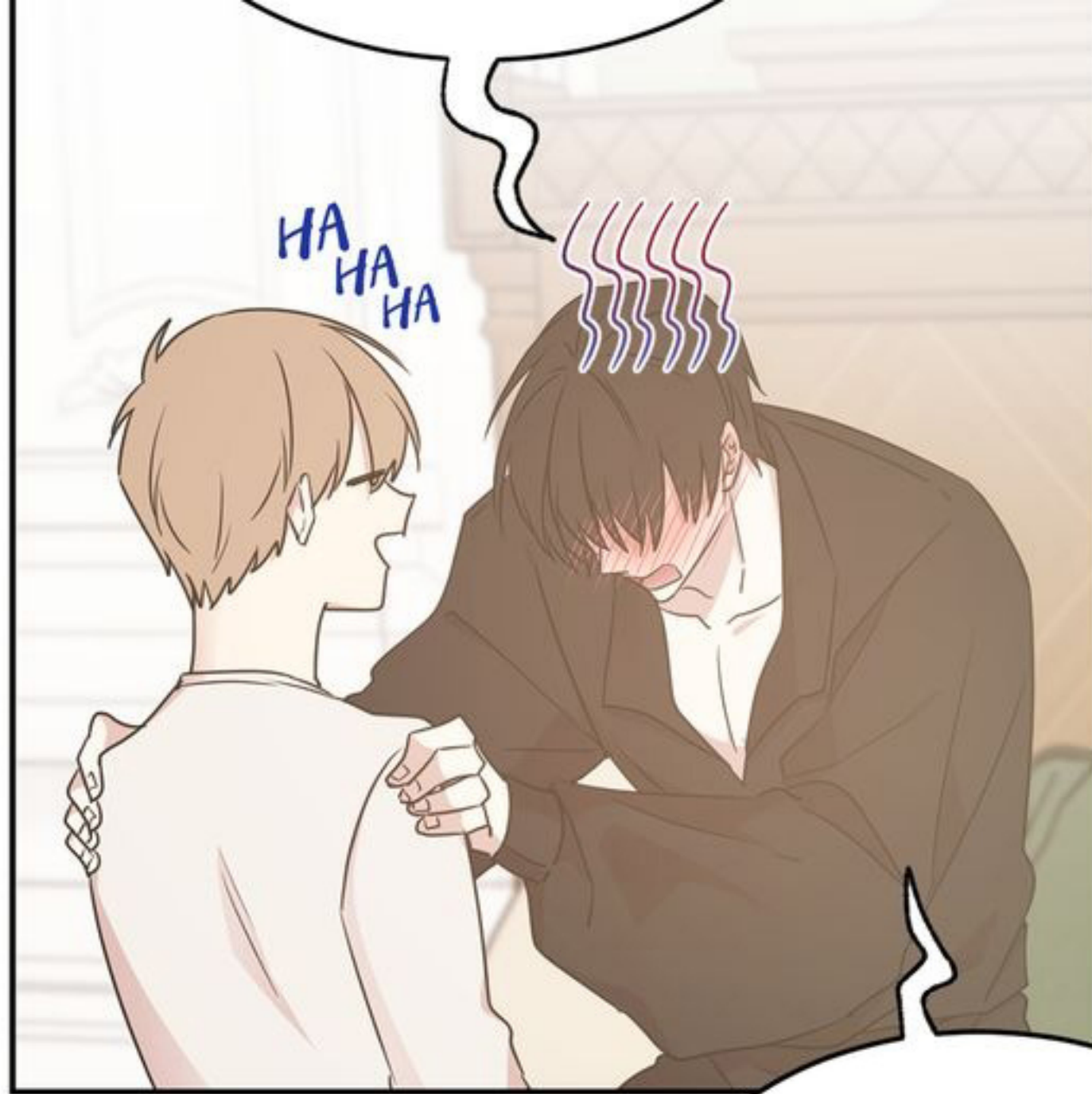


فکرشتم نمی کردم یه روزی
برسه که یه نفر همهچیزین جمله
کلیشه ای و تکراری ای که
مربوط به یه ژانر دیگه می شه
رو بهم بگه.

صبر کن، اگه تو از اول زن
بودی...



توی گذرگاه زیرزمینی... اون
کاری که کردم واقعا و حقیقتا
پست و رذل بوده...



نه، اصلا مهم نیست تو یه زن باشی
یا یه مرد... تو خیلی جوونی و اون
بزرگسالی که این کارو باهات کرده
رو باید ببرن از انگشت پا آویزون
کنن... هق هق

ادوارد... تو همسن کین
هستی درسته؟

آه، عام، بله.



حتی کین رو هم پا اسم
کوچیک صدا می زنه.

تو همش می گی من خیلی جوون
و کوچولوام.



ولی من درواقع از شما
دوتا بزرگترم.



چیسی؟



شرقا ییبی فیس هستن.

ببخشید~

ولی هنوزم...

همین الان.

احساس کردم چیزی درونم

برانگیخته شد.

حالا که تو انقدر برای من مهمی،
نباید چند تا چیز دیگه درباره خودم
بهت بگم؟

البته. بگو.

من می‌خوام کنار ادوارد بی‌ریا
و صادق باشم.



می‌خوام همه چیزو
دربارت بدونم.

To Be Continued



Story : KIM SUO
Art : jaradog

©DAONCOMICS



از شما برای خوندن کارمون
ممنونيم. لطفا **کپی نکنين** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارين.
شما ميتونين با جوين شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنيد و کارهاي
جذاب ديکمون رو هم بخونين.

@IriSekai

